



همزمان با اکران فیلم مجیدی در آنکارا صورت گرفت

## استقبال رسانه‌های ترکیه از فیلم محمد رسول‌الله (ص)

پرخلاف ماه‌ها سکوت درباره فیلم «محمد رسول‌الله(ص)»، اکران آن در ترکیسه با بحث‌های مطبوعاتی در این کشور همراه بوده است. یکی از بازیگران ترکیه معتقد است اهمیت این فیلم، تا ۵۰ سال آینده حفظ خواهد شد و فضا را به نفع جهان اسلام تلطیف خواهد کرد. فیلم سینمایی محمد رسول‌الله ساخته مجید مجیدی با عنوان «حضرت محمد: سفیر خداوند» از روز جمعه در سینماهای ترکیه به روی پرده رفت و رسانه‌ها و مردم واکنش‌های متفاوتی به این فیلم نشان دادند.

روزنامه «ترکیه» در یادداشتی طولانی ضمن ستایش این فیلم، روایت فیلم را شیعی دانسته و در این باره نوشته است: «مجیدی به صورت کاملاً استادانه روایت‌هایی از زندگی پیامبر را به تصویر کشیده که مخاطب ترکیه‌ای تا به حال با آن روبه‌رو نشده است. بدن پیامبر نشان داده می‌شود اما به صورت حرفه‌ای چهره مجری‌های نشان داده نمی‌شود. در این فیلم هر چند از بازیگران معروف و برجسته چندان استفاده نشده اما اوصاف خارق‌العاده و زیبایی‌های اخلاقی پیامبر را به زیبایی به تصویر کشیده شده است.» روزنامه «ملی‌گازته» وابسته به حزب سعادت به نقد این اثر پرداخته است.

جواد اکشیت استاد بازنشسته دانشکده الهیات دانشگاه ساکار با پیش از تماشای فیلم به مصاحبه با این روزنامه پرداخت و گفت: «بازی به بحث درباره به تصویر کشیدن بدن پیامبر نیست. دین بازچه نیست و حضرت محمد (ص) نباید به بخشی از فرهنگ عامه تبدیل شود. مسیحیان تصاویر حضرت عیسی را می‌کشند و آن را عبادت می‌کنند. اگر در این فیلم نیز تصویر پیامبر نشان داده شود، کار شبیه مسیحیت می‌شود. حال آن‌که ما اجازه نداریم نه تنها پیامبر بلکه تصاویر خلفا و صحابه را نیز به تصویر بکشیم.»

با این حال رویکرد روزنامه‌های «صبح» و «قرار» متفاوت بوده و این دو روزنامه در صفحه اول خود به استقبال این فیلم رفتند. نویسنده روزنامه صبح در شماره روز جمعه خود در یادداشتی با تیتُر «فیلم حضرت محمد در

علی محمد مؤدب:

## تغییر وزیر ارشاد کار کرد فرهنگی ندارد

مؤدب در بخش دیگری از گفت‌ووی خود تصریح کرد: تفکری غلط در وزارت ارشاد و در میان مدیران آن رایج شده است که فکر می‌کنند مأموریت وزارت ارشاد این است که موضوع انقلاب و اهداف آن را هم در کنار سایر کارهایشان مورد توجه قرار دهد و در کنارش به سایر موضوعات نیز توجه کنند در حالی که تفکر انقلاب اسلامی تفکری پیشرو و نگاه به

انقلاب اسلامی و تحقق مأموریت‌های فرهنگی آن تنها بخشی از مأموریت وزارت ارشاد نیست بلکه باید همه مأموریت و برنامه وزارت ارشاد تلاش برای تحقق آن را مبر باشد. این شاعر و فعال فرهنگی ادامه داد: مأموریت اصلی وزارت ارشاد نشأت گرفته از آرمان‌ها و تعاریفی است که در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی و امام‌را حل شکل می‌گیرد و نمی‌شود این مسئله را بخشی از گفتمان و مأموریت وزارت‌خانه دانست بلکه این مسئله همه مأموریت آن است و همه اتفاقات در این وزارت‌خانه باید از این پنجره محقق شود.

مؤدب در همین زمینه گفت: جمهوری اسلامی ایران نرم‌افزاری است که برای اجرای آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی نوشته شده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز مأمور شده تا اینک در راستای اصلاح کار و مأموریت ذاتی این وزارت‌خانه باشد و به نظر من این تغییر نیز قرار نیست در راستای تسریع امور فرهنگ باشد. وی افزود: دولت‌ها در ایران همیشه در راستای انتخابات روی مسئله فرهنگ حساس شده و سعی می‌کنند با تغییراتی اینچنینی با چهره‌های فرهنگی و ستاره‌های هنری ارتباط گرفته و استفاده خود را ببرند. به باور من این اتفاق در حال حاضر، کاری و به واسطه انجام مأموریت‌های کاری نیست و نمی‌شود انتظار خاصی از آن داشت.

# فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۴۶

گفت‌وگوی «جوان» با بانوی رهیافته بوسنیایی

# شیعه انگلیسی بازوی وهابیت علیه اسلام است



■ **معصومه طاهری**

نام بوسنی‌سالی‌هاست که از نام‌های آشنا برای ایرانیان است. ایرانیان، بوسنی را با مظلومیتش به جرم مسلمان بودن دردمش می‌شناسند و بوسنیایی‌ها ایران را با ایثار و آزادی‌شان، که بدون هیچ طمع‌ی به دستور انسانیت و اسلام درباره این کشور کمتر گفته‌ایم و شنیده‌ایم. همین موضوع بهانه‌ای شد تا با کمک انجمن شهید اودار دو آنبلی که از مراجع بحث ره‌یافتگان محسوب می‌شود با بانوی معصبوب بوسنیایی که در ایران مشغول تحصیلات عالیه است به گفت‌وگو بنشینیم.

**چه شد که به ایران آمدید؟**

من با ایران و مذهب تشیع در دوران جنگ بوسنی از طریق یک هیئت ایرانی، که برای کمک‌های بشردوستانه بوسنی آمده بود، آشنا شدم. ما در یوگسلاوی سابق و در خانواده‌ای مسلمان به دنیا آمدیم، اما به خاطر شرایط و نظام حاکم کمونیستی و لائیک آن دوران اسلام را به درستی نمی‌شناختم. نظر حاکم آن زمان این بود که اسلام مربوط به قرن‌های پیش است و جوابگوی دنیای جدید نیست، دلپش اینک کشورهای مسلمان کشورهای جهان بود. هشتادسأنه‌گامی شرایط طوری شد که من از هیئت تشیع کرد مشتعل و خجلت می‌کشیدند. نظام حاکم آن دوران سعی می‌کرد که تمام اقوام در کشور یوگسلاوی را به یک کیش دربریاورد و شاعر حاکم، برداری و وحدت‌بود. در دهه ۹۰ میلادی، یوگسلاوی دچار مشکل شد و کشورهای تشکیل دهنده آن اعلام استقلال کردند و همین باعث جنگ بین آنها گردید، که بیشترین وسخت‌ترین در بوسنی رخ داد. کشورهای همسایه کرواسی و به خصوص صربستان سعی کردند بوسنی را به خود ملحق کنند. در این میان مسلمانان بوسنی به هویت ملی و دینی خود سندنند آن هم بعد از حدود ۱۰۰ سال خفقان و زیر پا گذاشتن خقشان از نسوی همسایه‌ها، استقامت زیادی برای حفظ استقلال و دفاع از کشور خود کردند. من در این دوران دبیرستان را تمام کرده و کم‌کم به دنبال هویت بودم. ما که تا دیروز با مسیحیان از تودکس در یک مدرسه درس می‌خواندیم یک دفعه دشمن‌شان شدیم، در صورتی که حمله اصلی را خودشان با کمک صربستان علیه مسلمانان شروع کردندو این مسلمانان بودند که از خود دفاع می‌کردند. این یک جنگ داخلی بود (آن طوری که سعی می‌شود در جهان معرفی شود) بلکه حمله صربستان علیه یک کشور تازه استقلال یافته بود. در آن دوران فهمیدم اسلام واقعی چیست و اینکه ما مسلمانان سنی و حنفی بودیم و اینکه در بین مسلمانان مذاهب مختلفی وجود دارد. ابتدا نسبت به مذهب جعفری نظر مثبتی نداشتم چون راجع به آن از منابع دیگران که بیشتر وهابی بودند می‌شنیدم. اما با آشنایی با این هیئت ایرانی

در بوسنی و در کل یوگسلاوی سابق حجاب بعد از جنگ جهانی دوم ممنوع شده بود. تقریباً با کشف حجاب در ایران و ترکیه در بوسنی این همین مسئله اتفاق افتاد، دلیلش هم نظام حاکم کمونیستی‌ای بود که علیه دین بود. تقریباً ۵۰ سال، تا استقلال بوسنی این قانون وجود داشت. نه فقط ممنوعیت حجاب بلکه ممنوعیت کلی برای فعالیت‌ها و تبلیغ دینی، که شاید مهم‌ترین تبعات آن دور شدن مسلمانان و چند نسل از هویت دینی و همینطور ملی خود بود. از لحاظ تاریخی کشور بوسنی قبل از ورود ترک‌ها در بالکان کشور مستقلی بود قبل از مثلاً صربستان یا کرواسی، با حکومت پادشاهی و زبان خود، مذهب رسمی مسیحی بوگویی بود که با مسیحیت ارتدوکس و کاتولیک تفاوت داشت. این مذهب نزدیک‌تر به مسیحیت اصلی بود و در واقع با اسلام، به خاطر همین اکثر ساکنین بوسنی با ورود اسلام توسط ترک‌های اسلامی مسلمان شدند. به خاطر این مسئله است که امروزه

بیشترین جمعیت مسلمانان بومی اروپا در بوسنی است. بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی بوسنی جزو پادشاهی اتریش-مجارستان درآمد و بعد از آن جزو پادشاهی یوگسلاوی و بعد از جنگ جهانی دوم جزو یوگسلاوی شد. بعد از اینکه ترک‌ها بالکان را ترک کردند مسلمانان بوسنی از طرف همسایه‌های صرب خود ۱۱ بار دچار نسل‌کشی شدند و در دوران یوگسلاوی اخیر با ممنوعیت حجاب و فعالیت‌های دینی، کلا سعی شده که هویت دینی و ملی‌شان از آنها گرفته شود.

**مردم بوسنی از چه شبکه‌های مجازی‌ای استفاده می‌کنند؟**

بیشتر از وایبر و فیسبوک استفاده می‌کنند.

**چقدر اخبار ایران را پیگیری می‌کنند؟**

شخصیت‌های ایرانی که مردم بوسنی به خصوص مسلمانان به آن علاقه دارند آقای احمدی‌نژاد در دوران ریاست جمهوری ایشان بود به خاطر ایستادگی که در برابر امریکا داشت؛ البته شخصیت حضرت امام خمینی(ره) شخصیت مورد احترام است به عنوان شخصی که توانست پرچم اسلام را بعد از مدت‌ها بالا ببرد.

**شهیدی از شهدای ایرانی در بوسنی هست که بوسنیایی‌ها دوستش داشته باشند؟**

همه شهدای ایرانی که در بوسنی شهید شدند مورد احترام و علاقه مسلمانان بوسنی هستند و هر سال مراسم یادبود از طرف مسلمانان شیعه با همکاری ایرانی‌های مقیم بوسنی برگزار می‌شود.

**بهترین خاطره‌ای که در ایران داشتید؟**

خاطرات خوب زیادی در ایران داشتم و نمی‌توانم بگویم کدامشان بهترین است. حضور مقام رهبری در قم و سخنرانی در جمع طلاب خارجی یکی از خاطرات خوب است.

**بدترین خاطره‌ای که در ایران داشتید؟**

خاطرات بد هم رخ می‌دهند که می‌خواهم فراموش کنم. آن چیزی که خودم را خیلی آزرده خاطر می‌کند بر خورده‌ای منفی نسبت به طرحی‌هاست و اعتقادات برخی افراد که طالب خارجی‌سی به ایران می‌آیند که در کشورهای خود شرایط اقتصادی بدی دارند. در صورتی که اصلاً اینطور نیست خیلی از افراد از زندگی‌های مرفه جدا می‌شوند و می‌آیند ایران تنها به این دلیل که دین خودشان را بیاورند و آن هم در شرایطی سخت، خیلی پایین‌تر از آنچه که در خانواده‌های خود و کشورهای خود داشتند.

**به نظر تان ترجمه چه کتابی در بوسنی الان خیلی می‌تواند مؤثر باشد؟**

می‌توانم بگویم به‌طور کلی کتاب‌هایی که در مورد تربیت و اخلاقی اسلامی و شاید فرهنگ و تمدن اسلامی خیلی مناسب است.

و برخی منابعی که در اختیار علاقه‌مندان می‌گذاشتند نظر عوض شد ولی البته هنوز شیعه نشده بودم. بعد از دو سه سال این هیئت دنبال افرادی بود که به ایران برای یادگیری زبان فارسی بفرستند تا در امر ترجمه با آنها همکاری کنند. از آنجا که آقایان هنوز نمی‌توانستند به‌خاطر وظیفه سربازی کشور را ترک کنند، یک گروه از دختران انتخاب شدند و ما پنج‌ماه آمدم ایران و در یک مؤسسه فارسی خواندیم. برای من این فرصتی بود که هم با ایران و ایرانیان آشنا بشوم هم با یادگرفتن فارسی راجع به دین به زبان اصلی مطالعه کنم.

برخی از مسائل بخصوص از آداب ایرانیان که به دین نسبت می‌دادند برایم قابل فهم نبود، مثل رنگ کردن تخم مرغ برای نوروز یا اصلاً برگزاری جشن نوروز با شکوه‌تر از

مثلاً عیدفطر و قربان، یا دیدن عکس‌هایی در حرم با مجسمه فرشتگان به صورت بچه بالدار روی قبر. گاهی دوستان که در همان گروه‌ها بودند ما را وهابی خطاب می‌کردند از بس که انتقاد می‌کردیم. بعد که با عقاید راستین آشنا شدم و متلاً احکام خواندم دیدم که خیلی از مسائل که مردم انجام می‌دهند جزو آداب و رسوم ملی و سنتی است و جزو احکام دینی نیست. سعی کردم این مسائل را از کم در واقع شیعه شدم اصلی بشناسم نه از رفتار مردم. آن چیزی که من را به تشیع جذب کرد مسئله امامت بود مسئله غدیر خم که قبلاً نمی‌شناختم، بود و اینکه یک‌ها کاملاً منطقی است که پیامبر بعد از خودشان وصی داشته باشد. بعد از مطالعات من کم‌کم در واقع شیعه شدم و سعی می‌کنم شیعه باشم. بعد از برگشت به بوسنی و بعد از یک سال از دواج کردم و همراه همسر دوباره به ایران آمدم و به‌کم برای ادامه تحصیل و هنوز اینجا هستم.

**وضعیت تشیع در بوسنی چگونه است؟**

بوسنی وضعیت خاص سیاسی و فرهنگی دارد. آن چیزی که به نظر خیلی مهم‌تر از بحث شیعه و سنی است بحث روشن کردن مسلمانان و بالا بردن اعتماد به خود و اینکه دین اسلام می‌تواند راهمایی درستی برای رفتارهای فردی و اجتماعی باشد.

در بوسنی افرادی هستند که شیعه شدند و سعی می‌کنند طبق رهنمودهای دینی و مذهبی خود زندگی کنند و جماعت خود نگه‌دارند.

**وهابیت در بوسنی فعالیت زیادی دارد. آیا این موضوع به شیعیان ضربه می‌زند؟**

متأسفانه وهابیت هم اینچنانکه همه جای دنیا فعال است و بیشترین فعالیتشان علیه شیعه و خود اهل تسنن بوسنی است. آنها دروغ‌هایی علیه تشیع واقعی مطرح می‌کنند که البته از تشیع افراطی و انگلیسی‌نشأت می‌گیرد و ضربه زیادی به شیعه می‌زند. شیعه انگلیسی‌بازوی وهابیت در بوسنی علیه اسلام است **شیعیان در دولت هم حضور دارند؟**

## «گنج» هر روز از شبکه ۳ سیما پخش می‌شود

می‌شود. گفت‌وگو با مهمان برنامه، معرفی روزانه یک فیلم، روایت تسخیر در مدرسه، تاریخ شفاهی در مدارس خارج از کشور، روایت روزه سیاسی و قسمت‌هایی از مستند «پس از پرواز» از بخش‌های این برنامه است. مهمان نخستین برنامه، «سهیل کریمی» از مستندسازان بدون مرزی است که در سال ۸۲ و پس از اشغال عراق توسط امریکا به مدت ۱۲۶ روز به سارت سربازان امریکایی درآمد و بدون هیچ دلیل و منطقی تحت شکنجه قرار گرفت. «رضا سیفالهی»

**مستند فتنه ۸۸**

**در جشنواره مردمی عمار**

شش اثر تولید شده در مرکز مستند سوره یا موضوعات مختلف از جمله بررسی تاریخ تحریم امریکا علیه ایران و فتنه ۸۸ در جشنواره مردمی فیلم عمار ارائه می‌شود. محسن بزدی، مدیر مرکز مستند سوره درباره حضور این مجموعه در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار با اشاره به ارسال شش اثر به جشنواره عنوان کرد: یکی از مستندهایی که برای حضور در این دوره از جشنواره عمار در نظر گرفته‌ایم «بازی» به کارگردانی مهدی قویان است که به موضوع بررسی تاریخ تحریم امریکا علیه ایران می‌پردازد و نیم‌گاهی هم به فتنه ۸۸ دارد.

وی افزود: مستند دیگر آماده شده «قصه فیل و الاغ» نام دارد که موضوع آن انتخابات ریاست جمهوری امریکا است و در آن به بررسی چگونگی برگزاری انتخابات امریکا پرداخته‌ایم. مدیر مرکز فیلم مستند سوره ادامه داد: «فاز ایرانی» مستند دیگر این مرکز درباره تیمی از بچه‌های دانشگاه تهران است که ماشین‌های خورشیدی ساخته‌اند و با آنها در مسابقات جهانی شرکت کرده‌اند. بزدی خاطر نشان کرد: اثر دیگر ما «هن‌نگاه» مستند پرتصر «مازیار بیژنی» است. کاریکاتوربست خوب کشور است و علاوه بر آن، مستند «حراج بزرگ» درباره مسئله تولید ملی است و مستند «خواهران غریب» در مورد دو خواهر ووشوکار ایرانی حاضر در مسابقات جهانی دیگر آثار مرکز مستند سوره برای شرکت در هفتمین جشنواره عمار است.

## پخش «نبرد پالمیرا» از تلویزیون



مستند «نبرد پالمیرا» با موضوع رشادت‌های نیروهای فاطمیون و چگونگی آزادسازی شهر «دمر» از جنگ داعش از تلویزیون پخش می‌شود.

مستند «نبرد پالمیرا» که به روایت آزادسازی شهر دتمر به دست نیروهای سوری و تیپ فاطمیون می‌پردازد، در مراحل تولید راه پایان رسانده است و طی روزهای آینده از تلویزیون به نمایش درمی‌آید. حجت‌الاسلام والمسلمین ساسان قلاج‌پور کارگردان این مستند با بیان اینکه شهر پالمیرا یا دتمر به دلیل داشتن آثار باستانی از تمدن بشری و همچنین چلهای نفت اهمیت راهبردی برای گروه تروریستی داعش داشت گفت: به دلیل اهمیت بالای شهر دتمر، نیروهای مقاومت برنامهریزی پیچیده‌ای برای بازپس گیری آن از داعش انجام دادند که در مستند «نبرد پالمیرا» تلاش شده‌است گوشه‌ای از این تلاش‌ها به تصویر کشیده شود. این کارگردان مستند در ادامه به شیوه ساخت مستند «نبرد پالمیرا» اشاره کرد و اظهار داشت: به دلیل برخی مسائل امنیتی و نزدیک بودن شهر پالمیرا به شهر رفه که پایتخت تروریست‌های داعشی است، امکان ورود تیم مستندساز به این شهر وجود نداشت به همین دلیل، ما با آموزش برخی از نیروهای تیپ فاطمیون، از آنها خواستیم که در حین عملیات آزادسازی از موقعیت‌های مختلف فیلمبرداری نمایند.

**«من زنده‌ام»**

**فیلم می‌شود یا سر یال**



به گفته مدیر اجرایی نشتر «بروج»، تا امروز پیشنهادهای ساخت کتاب «من زنده‌ام» به دو صورت سر یال و سینمایی مطرح شده ولی هنوز هیچ کدام از آنها به قطعیت نرسیده‌است. صفر صالحی مدیر اجرایی نشتر «سروج» در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به علاقه هنرمندان برای به تصویر کشیدن این کتاب، گفت: با انتشار کتاب «من زنده‌ام» تعدادی از سینماگران پیشنهاد دادند که این کتاب را به صورت فیلم سینمایی یا سریال تلویزیونی جلوی دوربین ببرند. برخی معتقدند این کتاب باید تبدیل به سریال شود و برخی دیگر می‌گویند اگر تبدیل به یک اثر سینمایی شود، جذابیت بیشتری دارد. وی ادامه داد: در حال حاضر تعدادی از کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان کشور در حال مطالعه کتاب «من زنده‌ام» هستند و با تعدادی از شخصیت‌های این کتاب گفت‌وگو صورت گرفته‌اند، اما تا امروز به قطعیت قطعی برای چگونگی نگارش فیلمنامه اقتباسی این کتاب نرسیده‌اند.